

● معرفی و نقد کتاب

اداره امور جهانی:

جهانی شدن، اشتغال و کیفیت زندگی

Donald Lamberton, (Ed.) *Managing the Global: Globalization, Employment and Quality of Life*, (London: I.B. Tauris), 2002. pp. 268.

بین‌المللی و داخلی (کشورها)، می‌باشد. توجه به عواملی چون اشتغال، تجددگرایی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی، نابرابری و شماری دیگر از مؤلفه‌ها، نقاط تمرکز بحث فصل‌های پانزده گانه این کتاب هستند.

فصل ۱- بی‌نظمی نوین جهانی

لامبرتون^۲ نویسنده این فصل اظهار می‌دارد:

جهانی شدن آمیزه‌ای از مفاهیم درست و

این پنجمین کتابی است که مؤسسه صلح جهانی و پژوهش‌های سیاست‌گذاری تودا^۱ در مورد امنیت انسانی و اداره امور جهانی منتشر کرده است. آنچه به عنوان هدف‌های این مجموعه مقالات از آن‌ها یاد شده است، بررسی چگونگی مدیریت و سوء مدیریت در حل مشکلات امنیت انسانی توسط جامعه بین‌المللی، قدرت بخشیدن به صداهایی که در گفتمان امنیت و اداره امور بین‌المللی غایب هستند و نحوه تحکیم و پیشبرد شیوه‌های پایان بخشیدن به بحران‌های طولانی، با عطف توجه نسبت به ریشه‌ای اصل خشونت در حیات

1. TODA

2. Donald Lamberton

باتوجه به این گفته، جهانی شدن پی‌آمد فرایند رقابتی بین تجارت و توسعه (آمیزه پول، سرمایه، نیروهای کارآزموده ماهر، وضعیت‌های شغلی منحصر به فرد، منابع طبیعی شناخته شده، سازمان‌ها و نهادها، دانش، زبان و سنت‌های فرهنگی همراه با سطوح متفاوت، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی) است. به همین منوال تأکید بر این که فن‌آوری‌ها در کنار ویژه تولیدی خود فرآورده‌های کسب دانش هستند و این که صرفاً بر رهیافت شیوه تولید برای تحلیل جهانی شدن تمرکز صورت گیرد، کارگشا نخواهد بود. با همه این‌ها جریان ناهمگن سرمایه به مناطق مختلف جهان باعث می‌شود که به برخی حوزه‌ها توجه بیشتری شود و از این رو بازارهای جهانی را نمی‌توان جهانی شده در نظر گرفت. بررسی جریان سرمایه، روابط تجاری و سطح درآمدها همگی حاکی از الگوهای محکم "منطقه‌ای شدن" در توسعه است و منطقه‌ای شدن توصیف مناسب‌تری برای تحول بازار جهانی در مقایسه با جهانی شدن است. با این وجود، جنبه اطلاعات، ارتباطات و هماهنگی بر فرآیند همگرایی تسلط دارد.

نادرست، بیم‌ها و امیدها و شرایط متنوع اقتصادی و اجتماعی و وجود منظرها و نگاه‌های گوناگون چون: جامعه مفرد، صلح و رفاه پایدار، توسعه اقتصادی، گسترش تجارت جهانی و جابه‌جایی نامحدود سرمایه و درعین حال معضلات ناشی از آنها در پیش روی بسیاری از مردم جهان عنوان شده است. جهانی شدن با فن‌آوری (به ویژه فن‌آوری اطلاعات)^۱ به عنوان موتور محرکه آن توهم نوآوری و گریزناپذیر بودن را به همراه آورده است. پی‌آمدهای آن بر دانش و اطلاعات محور شدن اقتصاد، کاستن از هزینه‌های بهره‌گیری از اطلاعات، رویکرد بیشتر به عرصه‌های اقتصادی و صنعتی رایانه‌ای و در عین حال کوچک شدن، بی‌وزن شدن و اطلاعات محور شدن اقتصاد دیده می‌شود. ادغام‌های بزرگ حاکی از این است که اندازه در تولید همچنان مورد توجه است. دشواری که در این خصوص مطرح می‌شود، آن‌است که در صورتی که جهانی شدن به تنوع در کالاها، خدمات، فرهنگ، زبان و نهادها معنی شود و تفاوت‌ها پایه تجارت تلقی گردند، در این صورت آیا باز دهکده جهانی مکان و جایگاهی برای سست کردن مفاهیم اینجایی و سرودن مطرح خواهد بود؟

1. Information Technology

داشتن مطرح است. در اینجا تفاوت‌ها بین واقعیت و شرایط مفروض همراه با ابعاد اطلاعاتی و سازمان‌دهی اقتصاد عصر اطلاعات به عنوان چالشی عمده در برابر آینده فعالیت بخش خصوصی (تغییرات شگرف در نتایج عمده نظریه نوکلاسیک استاندارد) قرار دارد.

دوم - مشکل تئوریک دیگر، چگونگی تعیین مرز بین اقتصاد و زیرساخت‌های آن است. تلقی از دانش، سیستم ثبت امتیاز، سازمان‌دهی مشاغل، جاده‌ها، تأمین آب، فرودگاه‌ها و ارتباطات به عنوان زیرساخت‌ها، شسته و رفته بودن کارکرد تولید را زیر سؤال می‌برد. تغییر انگوی سرمایه‌گذاری‌ها به سود دانش محوری و فاصله گرفتن از دارایی‌های فیزیکی، ضرورت جلوگیری از انحراف و اتلاف منابع و استمرار حضور و نظارت دولت‌ها را طلب می‌کند.

تنوع تعریف درخصوص جهانی شدن برحسب مؤلفه‌های گوناگونی چون حرکت آزاد سرمایه، کالاها و خدمات، سربرآوردن بازارهای پولی جهانی، فشارهای رقابتی بنگاه‌ها برای جهان گستر کردن فعالیت‌های خود، تشدید جریان‌های فرهنگی جهانی، مسأله نگران‌کننده تمرکز گسترده بر فعالیت بازرگانی برای

یک تجربه نخست ازجهانی شدن مقطع پس از ۱۹۱۴-۱۸۴۰ است که به مراتب از مرحله هم‌گرایی بازارهای جهانی از سال ۱۹۴۵ به این سوء تماشایی و چشم‌گیرتر بوده است. در آن سال‌ها فرو افتادن هزینه‌های حمل و نقل و تجارت، بالا رفتن سهم سرمایه‌های بین‌المللی در عملکرد اقتصادهای ملی و مهاجرت بین مرزها نشانگر مقطعی از هم‌گرایی چشم‌گیر در اقتصاد جهانی بود و در نتیجه خط مشی‌های اقتصادی نسبتاً لیبرال بود و مهاجرت محدودیت کمتری داشت. عقب‌گرد در برابر هم‌گرایی مستمر اقتصاد بین‌المللی امروزین در مقایسه با آن سال‌ها در نتیجه عواملی چون پس‌گردهای سیاسی، جنگ، واکنش نسبت به تجارت با بستن بازارهای کشاورزی، حمایت از صنایع تولیدی نوپا و جلوگیری از مهاجرت‌ها بوده است. به عبارت دیگر جهانی شدن در این سال‌ها خود بذر انهدام خود را کاشته است. دو مشکل نظریه پردازانه بنیادین، زیربنای همه این‌ها هستند، که هر دوی آنها با پیچیدگی عصر اطلاعات مرتبط هستند.

نخست - پشتیبانی نظری از فعالیت اقتصادی بخش خصوصی در قالب نظم اداری، پاسخگو و مسئولیت پذیر بودن و نیز نوآوری

شرکت‌های بزرگ دست‌اندرکار امور جهانی شدن، همگی مسؤولیت دولت‌ها را خاطر نشان می‌سازد. تأکید بر پرهیز از کناره‌گیری از امور و لزوم قاعده بخشیدن به استراتژی‌هایی در جهت جریان‌های مالی و دیگر جنبه‌های اقتصاد جهانی، تقویت جنبه‌های مثبت جهانی شدن در راه توسعه و کاستن از فقر، تقویت مساوات اجتماعی و ایجاد شغل و تنظیم استانداردهایی در این زمینه را طلب کرده است.

جیمز روزنها با نگرشی متفاوت پوش‌های اقتصادی، تکنولوژیک در ورود به تحول جهانی شدن را با پوش‌های قدرتمند محلی شدن در برخورد می‌داند. اما آنچه که درخصوص جهانی شدن مثال زدن است، این که نمی‌توان بر پایه یک منشا جنبه‌های گوناگون آن را به سنجه آورد. هرچند پوش‌های تکنولوژیک محرک‌های عمده هستند اما شکست اعتماد، فروشکستن فاصله‌ها، جهانی شدن اقتصادها، تکثیر و افزایش انفجارآمیز سازمان‌ها، انقلاب اطلاعات، تفرق و شکستگی در گروه‌ها و هم‌گرایی در منطقه‌ها، قدرت گرفتن رویه‌های دموکراتیک و گسترش بنیادگرایی، بازایستادن برخی خصومت‌ها و نوزایش شماری دیگر از دشمنی‌های دیرین، همگی با کنش‌های

متقابل و افزودن بر پیچیدگی همراه بوده است. آنچه در اینجا می‌توان افزود این است که هر چند در مفاهیم جهانی شدن بیشتر وجوه اقتصادی کار غلبه داشته است اما نباید بین جنبه اقتصادی و اجتماعی در آنها قائل به تمایز تام بود. این مهم به ویژه با توجه به ضرورت‌های داشتن چهره انسانی برای جهانی شدن و کمک به بهبود زندگی روزمره $\frac{1}{3}$ میلیارد مردم جهان که روزی کمتر از ۱ دلار درآمد دارند، یک واقعیت مبرم است.

فصل ۲- جهانی شدن و بحران مالی آسیا: نمایش

در این فصل بلو^۱ با پرداختن به بحران مالی آسیا، آن را ناشی از نبود شفافیت در نهادهای مالی همراه با انگیزش‌های تحریف شده، فقدان نظارت و مقررات نظارتی دانسته است. از این دیدگاه در گذشته گفته می‌شد که فرآیند تصمیم‌گیری توسط دیوان‌سالاری آسیایی تا حد زیادی جدای از فشارهای سیاسی و بازرگانی صورت می‌گرفت، به گونه‌ای که در همین ارتباط از آن با عنوان معجزه آسیایی یاد

1. Walden Bello

فصل ۳- جهانی شدن، اشتغال و راهبردهای اقتصادی

در این فصل استیل ول^۱ مسأله اشتغال و تأثیرات ناشی از رکود جهانی بر آن و ارتباط این عامل با جهانی شدن، روندهای اقتصادی بلندمدت و مشکلات ساختاری مستلزم توجه و اصلاح را مورد بررسی قرار داده است. وی اظهار می‌دارد: امکان ناپذیری اشتغال کامل همواره مطرح بوده و رقم بیکاری در کشورهای OECD تا پیش از ۹۸-۱۹۹۷ به رقم ۴۰ میلیون می‌رسید. (این رقم در سطح جهان بر پایه گزارش سازمان بین‌المللی کار ILO ۸۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ بوده است). تأثیرگذاری‌های منفی آن بر منابع عایدات دولت‌ها و هزینه‌های آنان، تأثیر فراوان آن بر سرشت و نوع کارهای در حال انجام و افراد بهره‌مند از مشاغل، امنیت شغلی و حرفه‌ای قابل توجه بوده که همگی این تأثیرات تهدیدکننده انسجام اجتماعی در جوامع به شمار می‌آیند. البته سطح و اندازه تأثیرات آن بسته به نوع جوامع متفاوت است. ایالات متحده به عنوان بی‌قاعده‌ترین بازار کار در عین نشان دادن رقم پایین نرخ بیکاری رسمی از بیکاری پنهان رنج می‌برد. ژاپن، سنگاپور و استرالیا از نمونه‌های دیگر مورد بررسی در این

می‌شد. راه‌یابی و نفوذ فساد مالی در روابط بین حکومت و بخش‌های اقتصادی به دلیل همراه شدن سازوکارهای تأثیرگذاری بر حوزه‌های سیاسی توسط بخش‌های اقتصادی بود، که پی‌آمدهای آن از اختلاس گرفته تا فعالیت مستقیم دولت در امور اقتصادی در نوسان بوده است.

نقش رسانه‌های نوشتاری اقتصادی در جلب و جذب از راه بزرگ‌نمایی رشد و ترقی جهش‌وار به صورت اغراق آمیز و همچنین در نقطه مقابل آن در ایجاد تردید مؤثر بوده است. این نکته در بحران اقتصادی نایلدن سال ۱۹۹۶ و دیگر کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا رخ نمود. شکل و نوع سرمایه‌داری موسوم به موافق و همراه، نوع و نحوه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت و نقش سه نهاد دیگر در بحران مالی آسیا یعنی مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری مالی، تحلیل‌گران مالی و صاحب نظران علمی درخصوص اقتصادها و نظام‌های سیاسی شرق آسیا به ویژه در قالب شبکه جهانی سرمایه‌گذاران، روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گران در تأثیرگذاری‌های روانی و عینی در این زمینه مورد توجه بوده است.

1. Frank Stilwell

فصل هستند.

هر چند تعریف جهانی شدن و اهمیت تأثیرات آن مورد مجادله است، در این جا نویسنده از آن به عنوان یک سازه ایدئولوژیک یاد می‌کند که شیوه ویژه نگاه به ساختارها به عنوان رویکردی ضروری و یا مطلوب و در عین حال به مجموعه تغییرات مهم جاری نیز اطلاق می‌شود. از این منظر جهانی شدن از تعامل سه پدیده زیر نمود می‌یابد:

۱. فن‌آوری نوین: دسترس پذیر شدن همه عوامل در گستره جهانی - در نتیجه پیشرفت در حمل و نقل، فن‌آوری اطلاعات، کامپیوتری شدن و افزایش گنجایش برای گسترش اطلاعات، تولید و توزیع کالاها و خدمات را افزایش داده است.

۲. مصرف‌گرایی؛ مصرف‌گرایی به عنوان مرام غالب زمانه در نتیجه گستره تولید و سهولت توزیع و دسترسی آن در عرصه جهانی از راه فعالیت‌ها و رقابت‌های بازاریابی بنگاه‌های بزرگ جهانی مطرح شده است. رسم زمانه برمدار "مصرف می‌کنیم، پس هستیم" قرار دارد.

۳. خط‌مشی‌های نولیبرال؛ که طی آن به اجرا درآمدن خط‌مشی‌های نولیبرال توسط دولت‌ها برای برداشتن موانع بر سر راه

فرآیندهای تولید و مصرف از گام‌های اساسی به سوی جهانی شدن به حساب آمده است. کاستن از حجم ساختارها و تشکیلات در قالب خط‌مشی‌های نولیبرال، تطبیق با شرایط جهانی. بالا بردن بهره‌وری، بالا رفتن تراکم و شدت کار در قالب مدیریت‌های علمی همگی در همین راستا ارزیابی می‌شوند.

از این منظر، جهانی شدن فرآیندی برآمده از انتخاب‌های پیش روی در خط‌مشی دولت‌ها است. در عین حال که محدودیت‌هایی را نیز در برابر آنها قرار می‌دهد و خود فرایند جهانی شدن هم با محدودیت‌ها، ایستادگی و نابرابری‌هایی همراه و روبه‌رو می‌باشد. این فرایند در قالب دگرگونی‌های تکنولوژیک پاسخ‌های راهبردی در برگیرنده: (۱) حرکت به سوی رشد (نولیبرالیسم در کنار مداخله‌گرایی) (۲) بهینه‌سازی منابع و سرمایه‌های انسانی (راهبرد سرمایه انسانی با تأکید بر پاسخ‌های فردی و با نقش اصلی برای بخش عمومی) (۳) اولویت دادن به مساوات و محیط زیست (هم از راه اتخاذ ساختارهای سرمایه‌داری مبتنی بر بازار و یا توسعه نهاد‌های فراسرمایه‌داری) را طلب می‌کند.

فرهنگ و تفریحات نیز در شمار مؤلفه‌های تکمیل‌کننده در این نحوه محاسبه هستند.

رقابت و کشمکش، همکاری و مشارکت، نظریه بازی‌ها، روان‌شناسی و جامعه‌شناختی، مردم‌شناسی، اطلاعات، تصمیم، نظریه، نظریه سیستم‌ها و اقتصاد بازار در همین قالب چند دستوره و چند رسانه‌ای بودن شیوه‌های ارزیابی در سطح‌های ملی و بین‌المللی به منظور در برگرفتن تغییر ارزش‌ها و سربرآوردن جامعه مدنی جهانی، گسترش رویکردها برای مشارکت در جهت نوآوری اجتماعی، مطرح می‌شوند.

تغییر در صورت بندی‌ها و قرار گرفتن بخش‌های منسوخ: چون صنایع، شرکت‌های بهره‌گیر از منابع و انرژی‌های تجدیدناپذیر، دیوان‌سالاری‌های بزرگ و کم‌انعطاف، فرآورده‌ها و بسته‌بندی کالاهای بازیافت‌ناپذیر در برابر بخش‌های رو به ظهور چون: صنایع و شرکت‌های بهره‌مند از مواد و انرژی‌های کارآمد و مهارت‌های انسانی، کوچک، منعطف و فرآورده‌های بازیافت و بازتولید پذیر نیز از دیگر جنبه‌های این پدیده است.

فصل ۴- کیفیت و شرایط زندگی: موارد و موضوع

هندرسون^۱ نویسنده این فصل به سربرآوردن الگوهای فراگیرتر و پویاتر اقتصادی و ملهم از جهانی شدن به ویژه مؤلفه فن‌آوری اطلاعات پرداخته است. این ویژگی نوین سبب مداخلت یافتن پیش‌بینی‌هایی چند در عرصه‌های مختلف از اقتصاد، ارزیابی فن‌آوری و نظریه بازی گرفته تا بوم‌شناختی و تحلیل شیوه مدیریت بحران را به همراه دارد.

شیوه‌های سنجش بین رشته‌ای در ارزیابی کیفیت زندگی بایستی برای تکمیل شیوه‌های رایج محاسبه از راه تولید ناخالص ملی (GNP) و تولید ناخالص داخلی (GDP) در حساب‌های ملی وارد شوند. به حساب آوردن فعالیت‌های تولیدی بیرون از نظام پرداخت‌ها در حساب‌های ملی در قالب کلی به حساب آوردن: اشتغال، درآمدها، جمعیت، دارایی‌ها، سرمایه‌ها، زیرساخت‌ها، خدمات عمومی، نسبت بخش نظامی به غیرنظامی در بودجه، در این شمار است. سنجش کیفیت زندگی نیز برپایه آموزش، سرمایه انسانی، حقوق بشر، مشارکت سیاسی، بهداشت، امنیت و سلامت عمومی، نحوه اسکان، محیط زیست،

1. Hazel Henderson

فصل ۵- چيستی جهانی شدن

در این فصل هودسون^۱ با اشاره به این که جهانی شدن معاصر هم زمان با مدرنیته جهانی شده و با عصر پسا صنعتی در پیوند است. به این پرسش در خصوص چيستی جهانی شدن اشاره می‌کند که: "آیا جهانی شدن فرآیندی از هم‌گرایی جهانی است که از سپیده دم تاریخ آغاز شده و به تازگی و به ناگهان سرعت یافته است" و همچنین این که "آیا جهانی شدن با پسامدرنیسم و یاسازمان زدایی شدن از سرمایه‌داری مترادف است؟"

هر چند برداشت‌های چندگانه و متنوع از جهانی شدن وجود دارد، اما دسته کم هفت الگوی متفاوت را می‌توان در خصوص جهانی شدن اطلاق پذیر دانست:

۱. سربرآوردن بازارهای مالی جهانی از زمان شناور شدن نرخ ارزها؛
۲. فراملی شدن فن‌آوری و سرعت افزون پذیری آن؛
۳. فشارهای بنگاه‌هایی که می‌خواهند در عرصه جهانی عمل کنند؛
۴. جهان شمول شدن عرصه فعالیت سیاسی و دیپلماسی فراملی اقتصادی؛
۵. تشدید جریان‌های فرهنگی جهانی،

ارتباطات و مهاجرت؛

۶. فروشکستن مرزهای جغرافیایی و سربرآوردن پیوستگی‌های تازه بین شهرها، منطقه‌ها و ساختارهای حکومتی؛

۷. از دست رفتن ظرفیت حکومت‌ها برای مدیریت مشکلات درونی خود.

ادعاهای نه گانه در این مورد نیز به ترتیب زیر عنوان شده‌اند:

۱. کره زمین یک واحد منفرد برای تصمیم‌گیری شده است.
۲. سرمایه، کالاها و خدمات در سطح جهان به راحتی در جابه‌جایی هستند.
۳. اقتصادهای ملی بر روی بازارهای جهانی باز شده و در حال نزول هستند.
۴. نقش دولت-کشور در شکل بخشیدن به خط مشی‌های ملی کاسته شده است.
۵. نرخ تعامل بین دولت کشورها و اقتصادهای ملی فزونی یافته است.
۶. سازماندهی تولید از فوردیسم به پسا فوردیسم تغییر یافته و با انعطاف‌پذیری و بین‌المللی شدن همراه بوده است.
۷. روابط اجتماعی ویژگی‌های فاصله‌گریز و مرزناپذیر می‌یابند.

1. Wayne Hudson

در اینجا به دل مشغولی‌هایی مربوط به پیوستگی‌های علی که پویش‌های هم‌زمان جهانی شدن و گرایش‌های محلی - منطقه‌ای را در کانون امور جهان امروز قرار می‌دهند، پرداخته می‌شود، چیزی که به آن تاکنون کم‌تر توجه شده است.

گسترده‌گی و ژرفای تحولات و دگرگونی‌های جهانی در اندازه‌هایی است که می‌توان شرایط موجود را یک فصل نوین تاریخی در نظر گرفت، که ویژگی‌های نظم آن برخوردار از روندهای متعارض و الگوهای متداخل است. این روند تا جایگزین شدن با فصل تاریخی دیگر درآینده، استمرار خواهد یافت و مرزها را در نورددیده و در تمامی فرهنگ‌ها و ملل به گونه‌ای فهم می‌شود و یا مبادرت به فرایندهای آن به عادت می‌گراید، در عین حال که سطح بالایی از ناآرامی و ابهام و نامطمئن بودن با آن همراه است.

فاصله موجود بین فهم از تحول و تغییر ژرف و توانایی برای همراه شدن با آن از کاستی ابزارهای موجود برای کاهش این فاصله ریشه می‌گیرد، از این رو اتلاق یک نام و برچسب کلی به این دوره تاریخی کار ساده‌ای نیست و یک

۸. دولت - کشور بین‌المللی شده است.

۹. الگوهای مهاجرت از جنوب به شمال جابه جا شده است.

به طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جهانی شدن چالش‌های راستینی را در برابر دولت‌های رفاه و دارای سیاست‌های عمومی قرار می‌دهد. در حوزه سرمایه و بازار کار توانایی عمل و آزادی عمل در مورد خط مشی‌های اقتصادی را محدود می‌کند.

فصل ۶ - چالش‌ها و تنش‌های فضای جهانی شده

در این فصل روزه‌ها^۱ عنوان نموده است که با توجه به نگرش گسترده علوم اجتماعی از منظری جهانی، می‌توان گفت پویش‌های اقتصادی و فن‌آوری‌های نوین جهانی شدن و هنجارهای جهانی رو به تحول همگی در کشاکش با پویش‌های قدرتمند محلی هستند. حاصل و پی‌آمد مواجهه بین منافع و بازیگران چندگانه این بوده است که مرزهای بین امور داخلی و خارجی کم رنگ شده و فضای سیاسی نوینی که به آن می‌توان حوزه جهانی شده اتلاق نمود، پدید می‌آید. فضایی که تلاش‌ها برای کنترل سیاسی در آن به یکدیگر پیوند می‌خورند.

1. James N. Rosenau

فصل ۷- آموختن از جهانی شدن: قضایا و موانع

ریس^۲ نویسنده این فصل اظهار می‌دارد: بانوجه به تعریف‌های به عمل آمده از جهانی شدن، تأکید نویسنده بر آن است که جهانی شدن می‌تواند هم تهدید و یا فرصت باشد. آن‌چه در این حال توجه بیشتری را به خود می‌طلبد آن است که مردم برای روبه‌رو شدن با پی‌آمدهای آن مجهز نیستند. با این حال هم‌زمان غلبه بر تقدیرگرایی محتوم^۳ را می‌آموزد.

در این راستا واقعیت‌های جهانی شدن ضرورت پیمودن راه در میان تعارض‌ها را طلب می‌کند. باورها، آموزه‌های قطعی شده چون چپ یا راست، سوسیالیسم در برابر سرمایه‌داری، اثرگذار هستند. در نظر گرفتن عامل انگیزه درانتخاب خردورزانه در رویکردهای سنجش و ارزیابی با معیارهای اقتصادی، نمایانگر خودنگری‌های جوامع و ملل برای تحکیم و تقویت منافع خود است. از این رو بر لزوم پرداختن به معیارهای غیراقتصادی و انسان مدارانه برای ارزیابی‌ها تأکید می‌شود، هر چند

واژه معنایی تازه برای این کار مورد نیاز است. از این رو ایجاد یک نظم منسجم که خود در درون در سرگیرنده تنش‌ها و تعارض‌ها است، کار دشواری است. چگونگی معنا بخشیدن به وابستگی متقابل، همپوشانی بین امور داخلی و خارجی و چگونگی و سرشت پوی‌های دگرگونی‌ساز و تمایز بین ثابت‌ها و متغیرها از جمله مواردی است که پیوستگی بین نیروهای هم‌گرایانه و واگراینده در جوامع گوناگون را هم‌زمان معنا می‌بخشد و ضرورت می‌دهد. پردازش واژه معناشناختی واهم‌گرایی^۱ در این راه چگونگی عمل را نشان می‌دهد.

ستاد نهایی حاصل از کشاکش بین نیروهای متعارض، روندی مستمر، آهسته و تدریجی را پی می‌ریزد که در آن دولت‌ها و بازیگران در دنیایی با چند مرکزیت در تعامل هستند. این پدیده قراردادهای اجتماعی تازه‌ای را برای مهار نمودن پوی‌های واهم‌گرایانه طلب می‌کند، به گونه‌ای که در سایه آن دنیایی نوین بتواند ورای ناسازگاری‌های خود به سوی ارزش‌های سازگارتر و مترقیانه‌تری حرکت کند.

1. Fragementation

2. Stuart Rees

3. Fatalism

محدودیت ناپذیر لیبرال دموکراسی همگی قرین با سرمایه‌داری در عصر پساصنعتی و در آستانه هزاره سوم تنقی شده‌اند. درحالی که رویکردهای نوین درخصوص نگاه به جوامع در جریان جهانی شدن حاکی از آن است که رابطه حاصل جمع جبری صفر بین آزادی فردی و اخلاق جمعی الزامی نبوده و در نقطه مقابل یک جامعه نظم یافته می‌باید به نحوی بر حقوق و تعهدات الزام‌آور استوار گردد. به گونه‌ای که افراد بتوانند تنوع و تفاوت‌های خودانگیزخته خویش را شکوفا سازند. در این راه احترام و شناخت متقابل و تحکیم همبستگی اجتماعی به عنوان راه کار مشخص و ضروری برای امنیت اجتماعی و صلح ناشی از آن در نظر گرفته می‌شود.

تأثیرات جهانی شدن بر کیفیت زندگی در قالب‌های چندگانه مناطق و جوامع، خانوارها و خانواده‌ها، فرد، اجتماع‌پذیری و انجمن‌ها و به گونه‌های مختلف مشاهده‌پذیر است. برای رفع کاستی‌های عارض شده در هر یک از عرصه‌های یاد شده، در پیش گرفتن اصلاح و در قالب‌هایی چون بازگرداندن

که با نگاه انتخاب خردورزانه در نظریه‌های عام همراهی نداشته باشد. در این راستا عوامل تقویت کننده روابط انسانی می‌بایست به درون اقتصادها وارد شوند.

مجاز دادن به نظرها و دیدگاه‌های تازه و به ویژه دیدگاه آنانی که بازندگان عرصه جهانی شدن هستند. در شمار ضرورت‌های رویکرد تازه به محیط پیرامونی در جهانی شدن به حساب می‌آید، انجام این مهم می‌تواند زمینه‌ساز پیشنهاد پدیدار آمدن یک اقتصاد سیاسی اخلاق‌مند باشد.^۱

فصل ۸- جهانی شدن و پی‌آمدهای خردگرایی اقتصادی بر کیفیت زندگی در جوامع پیشرفته

پوسی^۲ اظهار می‌دارد: چنانچه این پیش فرض را که نوسازی و تجددخواهی به عنوان چراغ‌های هدایت ترقی و بهبود شرایط زندگی در جهان صنعتی شده در نظر گرفته شوند، حقوق قضایی و سیاسی و بنیادین بشر به عنوان شرایط اساسی خودمختاری سیاسی فردی و سعادت و رفاه بشر در این جوامع به حساب آورده می‌شوند. آزادی انتخاب، سبک زندگی و باور به پاسداری از فردگرایی

1. Ethical Political Economy
2. Michael Pusey

هوشمندی جمعی به خط مشی‌های عمومی، بازآفرینی نهادها و سرمایه اجتماعی، درونی کردن پرونده‌ها، تعدیل و توزیع درآمدها و منابع در شمار موارد پیشنهادی است.

در این خصوص نگاه از دو منظر فرهنگی و ساختاری به تجددطلبی مورد توجه قرار می‌گیرد. عوامل و پدیده‌هایی چون چندفرهنگی، تنوع فرهنگ‌ها، ارزش‌های اخلاقی جهان شمول توسط جنبش‌های سبز، فمینیست‌ها و صلح طلبان، همگی ثمرات مثبت مدرنیته هستند که در جوامع و کشورهای نهادینه و تضمین شده‌اند. اما از نظر ساختاری، نبود دورنمای اقتصادی روشن پیش روی مزدگیران و شرایط آغاز و انجام کار در این خصوص ویژگی‌های منفی آن را رقم می‌زنند.

فصل ۹- جهانی شدن، کیفیت زندگی و وضعیت زنان در هند

در این فصل رای^۱ با این فرض که هدف اصلی حکومت و اداره امور جوامع بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم است، بر چگونگی بهره‌مندی اقشار مختلف مردم و نحوه توزیع این بهره‌مندی‌ها متمرکز می‌باشد.

کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم

بر این باور استوار است که تنها اندازه‌گیری ثروت یک کشور از نظر مقداری را در برنگرفته، بلکه باید ارزیابی کیفی را نیز مورد توجه قرار دهد. از این رو شاخص‌های صرفاً اقتصادی چون تولید ناخالص ملی سرانه نمی‌تواند معیار و معرف رشد یک کشور باشد و توزیع درآمد بین اقشار اجتماعی را نشان دهد.

با این نگرش جهانی شدن در زمینه مطالعاتی جامعه هند ابعاد چندگانه‌ای را در برمی‌گیرد که وجه تأثیرات آن بر زنان این کشور مورد توجه نویسنده این فصل بوده است. در جامعه هند نیز بانگرش به جایگاه و موقعیت به عنوان پدید آورنده یک بخش محروم از اقشار اجتماعی توجه شده است. حاشیه‌ای شدن آنها در پرتو پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌های مختلف از فعالیت‌های اقتصادی گرفته تا آموزش و بازارآموزی نکته‌ای است که در سایه تأثیرگذاری‌های جهانی شدن مورد توجه قرار می‌گیرد. مقاومت و برتری سنتی مردان بر زنان در این جامعه از عوامل تعیین کننده در این خصوص است. بر این منوال نوآوری‌ها و پیشرفت‌های فن‌آورانه نوعاً در بخش‌ها و حوزه‌هایی بوده است که زنان در آن اشتغال و

1. Bharati Ray

حضور نداشته‌اند.

دریافت‌های مالیاتی را محدود کند.

فصل ۱۰- جهانی شدن و دولت رفاه

ایستون^۱ در این فصل در پاسخ به این پرسش که جامعه چه انتخابی را پیش روی دنیای جهانی شده بازمی‌گشاید و تأثیرات جهانی شدن بر خط مشی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع چگونه است؟ تأثیر جهانی شدن بر جوامع و دولت‌های رفاه را مورد بررسی قرار می‌دهد. فرصت‌ها و محدودیت‌های دولت‌های رفاه در یک دنیای جهانی شده و در حال رقابت بین‌المللی را می‌توان به ترتیب عواملی چون پیشبرد و ارتقای کارآمدی اقتصادی و رشد، فراهم آوردن کالاهای و خدمات عمومی مطلوب که بخش خصوصی در تولید آنها توانمندی لازم را ندارد، اقدام‌های مالی دولت برای افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها، همچنین در جهت افزایش امنیت محیط اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی همگی مناسبات ناشی از روابط صنعتی بهره‌وری را تحکیم می‌نمایند.

درعین حال توان مالیات پردازی دولت‌ها در مورد عوامل شدیداً متحرک چون سرمایه محدودیت می‌یابد. افراد و جابه‌جایی آنها می‌تواند توان درآمدسازی دولت از محل

فصل ۱۱- حق بشر برای تامین غذا

نویسنده این فصل ریچز^۲ می‌باشد. وی اظهار می‌دارد: استدلال بنیادین این است که در طلیعه هزاره نوین، دو مانع عمده بر سر راه پیشرفت وضعیت زندگی آسیب‌پذیرترین مردمان جهان یعنی گرسنگان، فقرا و محرومان اجتماعی قرار دارد، که این دو مانع عمده عبارتند از:

الف) افزایش کالایی شدن زندگی انسان و طبیعت؛

ب) اعمال قدرت بازارهای جهانی بر حیات و شیوه تصمیم‌گیری دموکراتیک.

بررسی زمینه‌های موجود در این باره در فصل جاری در متن اجتماعی و اقتصادی اجتماع کانادا در نظر گرفته شده است. با وجود در پیش گرفتن راه‌هایی چند درخصوص افزایش اشتغال در قالب استراتژی‌های مختلف کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی امنیت غذایی و حق دسترسی به آن برای افراد همچنان به عنوان ابزار اساسی مورد لزوم برای

1. Brian Easton
2. Graham Riches

رفع گرسنگی و پیشرفت حقوق اجتماعی و اقتصادی نادیده انگاشته شده است.

هنگامی تولید مواد غذایی از دست تولید کنندگان اصلی چون کشاورزان و دامپروران بیرون می‌آید، کالایی شدن رفاه و محدوده‌های لیبرالیسم رفاهی و تاثیر آن بر تامین و امنیت غذایی مردم و قرار گرفتن تولید و عرضه غذا در دست بنگاه‌های اقتصادی به عنوان ابزار سودآوری را شاهد خواهیم بود. پی‌آمدهای چنین پدیده‌ای وخامت امنیت غذایی مردم است. بازیابی، کنترل و نظارت مردم جوامع بر تولید و رفع نگرش کالایی شدن غذا در زمره حقوق اجتماعی بشر است و در قالب اجرا و اعمال آزادی‌های دموکراتیک قرار می‌گیرد.

فصل ۱۲- ناکامی‌های جهانی شدن و زیان حاشیه‌ای شده‌ها

راس^۱ در این فصل عنوان می‌کند که طی ۲۵ سال گذشته، هواخواهان جهانی شدن هم‌گرایی اقتصاد جهانی را به عنوان پدیده‌ای گریزناپذیر و سودمند برای همگان تبلیغ و عرضه نموده‌اند. هم‌گرایی در اقتصاد جهان به ویژه در عرصه آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری، به

عنوان راه کار رشد سریع اقتصادی، کاستن از فقر و گسترش دموکراسی تلقی شده است. در حالی که تجربیات سال‌های اخیر نشانگر نادرستی این مفروضه بوده و نتایج مورد انتظار حاصل نیامده است. عمده‌ترین سرچشمه‌های نگرانی را باید در موارد زیر جستجو نمود:

- جهانی شدن به گونه‌ای که هم اینک روبه پیش است به دامن زدن بر نابرابری، افزایش فاصله بین دارا و ندار هم در بین کشورهای جهان و هم در درون کشورها منجر می‌شود؛
- فرایندهای جهانی شدن به ناامنی و ابهام اجتماعی و اقتصادی و فرسایش حقوق بشر و استانداردهای مصرف کنندگان دامن می‌زنند؛
- جهانی شدن دموکراسی را سست کرده و توانایی حکومت‌ها را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به منافع ملی کاهش می‌دهد.

این موارد به نوبه خود به رشد بدبینی و از دست رفتن باورمندی‌ها نسبت به حکومت، رهبری و فرایندهای سیاسی در بین شهروندان در سراسر جهان دامن زده است. از این رو چالش‌های پیش روی جامعه بین‌المللی را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود:

- چگونه سودمندی‌های جهانی شدن را به

1. Edna Ross

وابستگی متقابل جهانی دارند. این شمار از کشورها و گروه‌بندی‌ها به هشت زیرمجموعه عمده در برگیرنده جمعیت، غذا، انرژی، محیط زیست (زیست بوم)، توسعه و عمران، صلح و امنیت، حقوق بشر و بهداشت انسانی، تقسیم می‌شوند. برپایه پیش‌بینی‌های صورت گرفته از الگوهای اقتصادی مقطع زمانی بین ۲۰۱۵-۱۹۹۶ وضعیت‌های احتمالی زیرمتصور است:

- بازشدن بازار ژاپن بر روی مابقی جهان از راه برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای؛
- تشدید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ملهم از جهانی شدن؛

- افزایش پژوهش و توسعه در جهت پیشرفت فن‌آوری و سرمایه‌گذاری در زیرساختارهای مربوط به جامعه اطلاعاتی چند رسانه‌ای بر پایه همین الگوهای پیش‌بینی (FUGI) رشد متوسط سالانه اقتصاد جهانی در مقاطع بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۶، ۲۰۱۰-۲۰۰۱، ۲۰۱۵-۲۰۱۱ به ترتیب ۲/۹، ۲/۹ و ۳ درصد خواهد بود.

طور متساوی و هموار می‌توان توزیع نمود.
- چگونه در بازارهای مالی ثبات را حفظ نمود.

- چگونه می‌توان از پی‌آمدهای طبیعی رقابت لجام‌گسیخته و مسابقه‌ای که به وخامت در وضعیت و شرایط کار، حفظ سلامت، ایمنی و محیط زیست و تمرکز می‌انجامد، جلوگیری نمود و تمرکز قدرت در انحصارها را از این سیر شکل‌گیری بازداشت.

- چگونه می‌توان نقش دولت را باز تعریف نمود؟
- چگونه می‌توان نهادهای مؤثر، اعتمادپذیر و بین‌المللی را پایه‌گذاری کرد؟

فصل ۱۳- چشم‌اندازهای جهانی شدن، اشتغال و برابری در شرایط زندگی در سده ۲۱

اونیشی^۱ نویسنده این فصل اظهار می‌دارد: با تکیه بر گزارش موسوم به آینده وابستگی متقابل جهانی^۲، جهان را به ۲۰۰ کشور و ۸۰ دسته بندی منطقه‌ای از کشورها تقسیم می‌کند، که در آن هر یک از مدل‌های ملی - منطقه‌ای از راه تجارت بین‌الملل، جریان‌های مالی و جریان‌های اطلاعات

1. Akira Onishi
2. Future of Global Interdependence (FUGI)

در ادامه همین فصل به مشکلات زیست محیطی و انتشار گازهای گلخانه‌ای، جمعیت، اشتغال، افزایش نابرابری در درآمد سرانه ملی کشورها در سطح بین‌المللی پرداخته می‌شود. شاخص‌های در نظر گرفته شده برای بررسی کیفیت زندگی مؤلفه‌هایی چون محیط زیست، توسعه پایدار، صلح و امنیت، حقوق بشر و مراقبت‌های بهداشتی را در برمی‌گیرد.

برآیند نهایی که از شاخصه‌های مطروحه در این فصل نتیجه‌گیری می‌شود، استقرار یک نظام هشدار سریع جهانی از منظر توسعه و رشد است که ضمن بهبود شرایط محیط زیست و وضعیت اقتصادی، سطح زندگی مردم در جوامع مختلف را ارتقاء بخشد.

فصل ۱۴- مدیریت روش: نقش اطلاعات در خط مشی‌ها و راهبردهای نوپردازانه

به باور مک دونالد^۱ نویسنده این فصل، زبان جهانی شدن زبان مدیریت است و از راه آن جهانی شدن محقق می‌شود. در این راستا به نقش روش در کاستن از ابهام و بی‌اطمینانی پیش روی مدیریت در عرصه نوآوری پرداخته می‌شود. آنچه نکته اساسی در عملکرد مدیریت به حساب می‌آید، زبان است که تعیین‌کننده

گفتمان مسلط و شرایط بررسی و چگونگی کار در مورد شرایط پیش رو است.

نکته دیگر تأکید بر باور و نه دلیل و خردورزی در اداره سازمان و پشتیبانی از سازمان‌دهی است که در استمرار کار آن بحث، مناظره و اختلاف نظر راه به جایی نمی‌برد. در ادامه بحث به چگونگی اخذ شیوه توسط مدیریت، شیوه و بازدهی سازمانی آن، شیوه و نوآوری پرداخته می‌شود. در همین ارتباط از منظر مدیریت، نوآوری و نقش شیوه‌ها در آن در فضای جهانی شدن به عواملی چون کنترل صادرات، جاسوسی صنعتی، حقوق مالکیت معنوی اشاره می‌شود.

فصل ۱۵- بین‌المللی کردن تحقیق و توسعه:

زمینه‌ها و فرصت‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه

در این فصل مارکاسو^۲ به روندهای جاری در بین‌المللی شدن تحقیق و توسعه که گاه در راستای مساعدت و پیشبرد اهداف کشورهای در حال توسعه و در جهت دستیابی به رشد اقتصادی و سطح بالای زندگی و گاه در

1. Stuart Macdonald
2. Jane Marcasu

ارزیابی کلی

جهانی شدن در زمره پدیده‌های بحث‌انگیز در عرصه مفهومی چه از جنبه مخالفت و چه همراهی و توجه که عملاً ادبیات گسترده‌ای را طی چند سال گذشته پدید آورده است.

مطالبی که تاکنون درخصوص معرفی، بررسی و نقد آثار مربوط به جهانی شدن بوده‌اند، عموماً در یکی از حوزه‌های تأیید و توجیه و یا نفی و رد فرایند جهانی شدن قرار داشته‌اند. کتاب‌های عرضه شده در این راستا چه به صورت موضوع منفرد و یا مجموعه مقالات، با نظر داشت پیشینی در تأیید و یا رد پدیده جهانی شدن همت گمارده‌اند. با این توجه می‌توان یکی از نکات مزیت گونه و همزمان کاستی کتاب حاضر را به ترتیب زیر عنوان نمود:

۱. دیدگاه‌های متفاوت از یکدیگر که در فرضیه‌ها و قالب‌های گوناگون این پدیده را بررسی می‌کنند، به صورت مجموعه مقالات این کتاب را تشکیل می‌دهند. این ویژگی مزیت مشخص ارائه تصویرهای متنوع و چندگانه و به دست دادن دیدگاه‌های جامع الاطراف و بی‌طرفانه از پدیده مورد مطالعه را در بردارد.

ناسازگاری با آن عمل می‌کند، پرداخته است. از آنجایی که پدیده بین‌المللی شدن پژوهش در شکل کنونی آن با پیش نیاز وجود سطح اولیه‌ای از آموزش و توسعه علمی روبرو است، شماری از کشورهای کم درآمدتر در این راه به حاشیه رانده می‌شوند.

در این فصل توجه عمده به نحوه عملکرد بنگاه‌های بزرگ اقتصادی در زمینه تحقیق، توسعه و هدایت آن در شماری از کشورهای غیرصنعتی است. بنابراین دیدگاه یکی از روندهایی که به نظر می‌رسد در آینده در عرصه بین‌المللی به عنوان یک جریان غلبه یابد، چگونگی اداره و مدیریت تحقیق و توسعه است، زیرا جهت‌گیری کشورهای غرب به سوی اقتصاد مبتنی بر نوآوری و دانش محور این جریان را به عنوان زمینه مسلط عنوان می‌دارد. رشد این جریان و اقتصاد مبتنی بر آن، گسترش به سوی کشورهای پذیرنده و بهره‌مندی آنان را می‌تواند در پی آورد و در نقطه مقابل انحصار و کنترل کشورهای پیشرفته برجریان تحقیق و توسعه به عنوان چالش کشورهای در حال توسعه در بهره‌مندی از این فرآیند باشد.

۲. با توجه به ویژگی تلفیقی و چندنگاهی^۱ صورت گرفته، هم اصلی، این مجموعه مصروف به ارائه برداشت‌های مفهومی و نظری در شناخت موضوع شده است. به همین ترتیب به ارائه راه کارهای مشخصی در جهت فائق آمدن بر محدودیت‌ها پرداخته نشده است.

باتوجه به مجموعه موارد مطرح شده، مطالعه کتاب به علاقه‌مندان حوزه مطالعات سیاسی و بین‌المللی به ویژه در عرصه مفاهیم نظری روابط بین‌الملل توصیه می‌شود.

احمد صادقی

معاون پژوهشی دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی